

مقایسه نازرنده سازی در فرافکنی های کودکان با خانواده های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

A comparison between the devaluation in the psychological projections of children from step families and non-step families based on the family drawing test

Sh. Emami Ale Agha, M.A.

R. Pourhossein, Ph.D.

M.A. Besharat, Ph.D.

M. Gholamali Lavasani, Ph.D.

شیرین امامی آل آقا*

دکتر رضا پورحسین**

دکتر محمدعلی بشارت***

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی****

چکیده

تشکیل خانواده ناتنی در پی طلاق یا مرگ یکی از والدین، تغییری اساسی در زندگی کودک محسوب می شود که می تواند زمینه ساز دگرگونی های بسیار در دنیای روانی او باشد. نقاشی به عنوان تکنیکی فرافکن زمینه را برای بیان تعارضات کودک فراهم می آورد. هدف پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه نحوه فرافکنی کودکان خانواده های ناتنی و کودکان

*. کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه تهران

** . دانشیار دانشگاه تهران

*** . استاد دانشگاه تهران

**** . دانشیار دانشگاه تهران

خانواده‌های تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده بود. روش تحقیق، کیفی، از نوع علی مقایسه‌ای و پس رویدادی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق، کلیه دانش‌آموزان ابتدایی نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه بودند. نمونه گروه کودکان ناتنی این پژوهش ۴۰ دانش‌آموز پایه‌های اول تا ششم شامل ۲۰ دختر و ۲۰ پسر به روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس انتخاب شده و گروه گواه نیز شامل ۴۰ دانش‌آموز پایه اول تا ششم، مشتمل بر ۲۰ دختر و ۲۰ پسر به روش نمونه‌گیری تصادفی تعیین شدند. به منظور بررسی نحوه فرافکنی و نازرنده‌سازی‌ها در ترسیم، از آزمون ترسیم خانواده با نظام ارزشیابی کرم، استفاده و تحلیل استنباطی بر اساس مجذور خی صورت گرفت. نتایج سؤال و فرضیه‌های آزمون نشان داد که کودکان ناتنی به‌طور معناداری ($P < 0/05$)، بیشتر از کودکان تنی در نقاشی‌های خود دست به نازرنده‌سازی که در این جا، حذف، کوچک‌نمایی و ترسیم ناقص خود و اعضای خانواده می‌باشد می‌زنند.

واژه- کلیدها: کودکان ناتنی، فرافکنی، نازرنده‌سازی، ترسیم خانواده.

Abstract

The birth of a step family as a consequence of divorce or death of one of the parents causes a huge difference in a child's life which can change his entire psychological world. Drawing as one of the ways of psychological projections can display a variety of conflicts in children psyche..This study has attempted to examine and comparison of psychological projections between children from step families and non-step families based on the family drawing test. In this study, devaluation as a content indicator in drawing projections was approached. The participants included 40 children from stepfamilies, 20 female and 20 male (parental divorce, the death of a parent, remarriage). Having a descriptive qualitative framework, these participants were selected based on a causal comparative method. The control group included 40 children from non-step families, 20 female and 20 male selected randomly. To analyze projections and devaluation in the drawings. Draw A Family (DAF) test was employed The finding indicated that in all the hypotheses children from non-step families performed significantly different. Therefore, it can be generally concluded that the children from non-step families

significantly displayed more devaluation of themselves and the family members in their drawings.

Keywords: Children from step families, psychological projections, devaluation, and family drawing test.

contact information: emamis12@yahoo.com

مقدمه

عدم حضور هریک از والدین از جمله شرایط خاص خانوادگی است و به‌عنوان یک متغیر مهم محیطی محسوب شده که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیراتی اساسی بر روند رشد کودک و ابعاد مختلف رفتار و سلامت جسمانی، روانی و عملکرد تحصیلی او داشته باشد. مرگ والدین تأثیر مادام‌العمری بر خانواده دارد و به‌صورت پریشانی، افزایش ریسک احتمال افسردگی، اختلال در سلامت جسم و یا سایر تأثیرات منفی می‌تواند باشد (امبرسون، ۲۰۰۳). طلاق نیز همچون مرگ و گاه بیش از آن، آثار منفی زیادی بر روی تمام افراد خانواده به‌ویژه کودکان دارد. آثار مخربی که گاه جبران‌ناپذیر بوده و در تمام ابعاد زندگی، ردپایی از خود به‌جای می‌گذارد (والرستاین و لوئیس، ۱۹۹۸). تغییرات و جابجایی‌هایی که در پی طلاق یا مرگ والد برای کودک اتفاق می‌افتد، کودک را در شرایطی قرار می‌دهند که بالاترین میزان تنیدگی را تجربه کند. بالا بودن میزان تنیدگی و تأثیر آن بر سلامت روانی کودک، محققین را بر آن می‌دارد تا پژوهش‌های خود را در زمینه شناخت بیشتر کودک و یافتن راه حل‌ها و عوامل حمایت‌کننده افزایش دهند (هترینگتون، ۱۹۹۲، والرستاین، ۱۹۹۸ و رزینکوف، ۱۹۹۸، نقل از تولیسالو و آرو، ۱۹۹۹). اتفاقاتی که ناگزیر به‌دنبال مرگ یا طلاق والدین اتفاق می‌افتد، از جمله تغییر در نوع حضانت، شرایط اقتصادی و ازدواج مجدد والدین، بسته به نحوه انجامشان، می‌تواند هم به‌عنوان عوامل تهدیدکننده محسوب شوند و هم به‌عنوان عوامل حمایت‌گر (تولیسالو و آرو، ۱۹۹۹).

کودکان بزرگتر، بیشتر در برابر پذیرش والد ناتنی مقاومت می‌کنند. بسیاری از تحقیقات حاکی از آنند که اگرچه ممکن است تفاوت‌ها در برخی حوزه‌ها آنقدر چشم‌گیر نباشند، اما

مقایسه نارزنده‌سازی در فرافکنی‌های کودکان با خانواده‌های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

کودکان خانواده‌های ناتنی^۱ به‌طور کلی، در عملکرد تحصیلی و مؤلفه‌های رفتاری و هیجانی خود ضعیف‌تر عمل کرده و سازگاری کمتری را نشان می‌دهند (براون و اماتی، ۲۰۰۰). پژوهشگران، برخی عوامل را به‌عنوان منشأ تفاوت‌های کودکان ناتنی و تنی، معرفی می‌کنند، از جمله، نداشتن پیوند اولیه (عدم شکل‌گیری دلبستگی اولیه)، میان‌والد و فرزند، عدم وجود نقش تعریف شده اجتماعی مشخص برای والدین ناتنی (چرلین، ۱۹۷۸، نقل از دالی و ویلسون، ۱۹۸۵)، نبود رابطه ژنتیکی، وجود باورهای پیشداورنه و کلیشه نامادری بدجنس و ناپدیری آزارگر که حتی در افسانه‌ها و ادبیات نیز دیده می‌شود (ویشر و ویشر، ۱۹۹۶)، عدم وجود حمایت اجتماعی (فیشر، مارچ و میال، ۲۰۰۰، نقل از استوارت، ۲۰۱۰) و غم‌فقدان و محرومیت (دالی و ویلسون، ۱۹۸۵، فلین، ۱۹۸۸). در خانواده‌هایی که طلاق یا مرگ یکی از والدین را تجربه می‌کنند، تغییرات ناگزیری رخ می‌دهند که می‌توانند زمینه‌ساز تعارضات، ناسازگاری‌ها و آسیب‌های روانی احتمالی باشند (کامینگ و دیویس، ۱۹۹۴، بریجز، دان و اوکانر، ۲۰۰۲). نوع برداشت کودک با میزان سازگاری که در چنین شرایطی، حائز اهمیتی ویژه است، رابطه‌ای نزدیک دارد (برند، کلینجم پیل، باون، وودوارد، ۱۹۹۸، دان، دیتز - دکارد، ۲۰۰۱، فاین و همکاران، ۱۹۹۹، نقل از بریجز و همکاران، ۲۰۰۶).

کودک، خود، بهترین نمایشگر علائم عاطفی، رفتاری، خلقی و تجربیات درونیش است، اما به‌دلیل کمرویی، رشد نایافتگی زبان و استدلال، گاه نتیجه کاملی از مصاحبه کلامی با او گرفته نمی‌شود، بنابراین مشاهده کودک از طریق بازی و یا تحلیل ترسیم‌های کودک ابزاری است که درمانگر را قادر می‌سازد که بدون واسطه دیگران از کودک اطلاعات مهمی را کسب نماید (سادوک، سادوک و لوین، ۲۰۰۷). از آنجا که نقاشی یک روش کودک‌محور است، می‌تواند اطلاعاتی غنی را در مورد شرایط خانوادگی کودک، ارزش‌ها و آرمان‌های او به ما بدهد (ملچیودی، ۱۹۹۸، اوستر و گود کرون، ۲۰۰۴).

به‌طور کلی ماهیت فرافکنانه^۲ بودن نقاشی، آن را حائز ارزش توأمان تشخیصی و بالینی نموده است. عقیده بر این است که کودکان قابلیت تغییر بیشتری دارند و بهتر از بزرگسالان به درمان پاسخ می‌دهند، لذا آسیب‌شناسی و درمان در کودکی، واجد اهمیتی به‌سزاست (کرینگ

مقایسه نارزنده‌سازی در فرافکنی‌های کودکان با خانواده‌های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

و همکاران، ۱۳۹۱). تشخیص فرافکنی‌ها از طریق ترسیم، کمک شایان توجهی به تشخیص اضطراب، مکانیزم‌های دفاعی، پرخاشگری، احساس تقصیر و گناه، افسردگی، وسواس، مشکلات حل نشده اودیبی، واپس‌گرایی و بسیاری از اختلالات، مشکلات خانوادگی، ارتباطی و دغدغه‌های مراجع دارد (اولیور یوفراری، ۱۳۹۱، کرمن، ۱۳۹۱).

شناخت مشکلات و متعاقب آن مداخلاتی که به بهبود شرایط می‌انجامد، به محکم‌تر شدن بنیان خانواده نوپا کمکی شایان توجه خواهد نمود. اضطرابی که به دلایل گوناگون، از جمله تناقضات وفاداری نسبت به والد زیستی که خانه را ترک کرده است و یا در قید حیات نیست، در کودکان ناتنی ایجاد می‌شود و گاه به دلیل ترس از دست دادن توجه والد باقیمانده و یا وحشت از سرزنش، قابل بیان نیستند. تست ترسیم خانواده^۳، که ماهیتاً احساس کودک نسبت به روابط را برملا می‌سازد، ابزاری است مناسب تا روانشناس بالینی و درمانگر بتواند نسبت به تعارضات و نگرانی‌های کودک اطلاعات لازم را کسب نماید.

متغیرهای پژوهش

متغیر پیش‌بین: زندگی با والدین ناتنی و تنی

متغیر ملاک: نحوه فرافکنی کودکان در ترسیم‌هایشان

متغیر کنترل: سن (کودکان دبستانی)

سؤال پژوهش

آیا کودکان واجد والد ناتنی بیشتر از کودکان خانواده‌های تنی در نقاشی‌هایشان دست به

نارزنده‌سازی^۴ خود و والدینشان می‌زنند؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: کودکان ناتنی به میزان بیشتری از کودکان تنی اقدام به حذف خود و اعضای

خانواده در نقاشی می‌کنند.

مقایسه نارزنده‌سازی در فرافکنی‌های کودکان با خانواده‌های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

فرضیه دوم: کودکان ناتنی بیشتر از کودکان تنی دست به کوچک‌نمایی والدین در ترسیم‌هایشان می‌زنند.

فرضیه سوم: کودکان ناتنی به نسبت کودکان تنی به میزان بیشتری خود و اعضای خانواده را ناقص ترسیم می‌کنند.

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، توصیفی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای. پس رویدادی است. جهت مقایسه میان نشانه‌های نارزنده‌سازی خود و اعضا در فرافکنی کودکان خانواده‌های تنی و ناتنی، آزمون ترسیم خانواده مورد استفاده قرار گرفت.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری گروه کودکان واجد والد ناتنی را کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی (اول تا ششم) نواحی سه‌گانه آموزش و پرورش شهر کرمانشاه سال تحصیلی ۹۲-۹۱ تشکیل دادند. براساس اطلاعات موجود در پرونده تحصیلی دانش‌آموزان و روش نمونه‌گیری هدفمند در دسترس، تعداد ۴۰ دانش‌آموز که واجد والد ناتنی بودند (چه در اثر فوت و چه بر اثر طلاق)، انتخاب شدند که نیمی از آنها دختر و نیمی پسر بودند. گروه کنترل نیز مشتمل بر ۴۰ دانش‌آموز بودند که بازهم نیمی دختر و نیمی پسر و به روش تصادفی معین شدند. به‌منظور بررسی نحوه فرافکنی گروه نمونه، آزمون ترسیم خانواده با نظام ارزشیابی کرمن انجام گردید.

ابزار پژوهش و روش اجرا: تست ترسیم خانواده ابتدا به‌وسیله اپل (۱۹۳۱) و پس از او به‌وسیله ولف گسترش یافت. روش اجرا بر اساس مدل کرمن، بدین‌گونه است که کودک را در مقابل میزی که کاملاً اندازه اوست می‌نشانند و یک برگ کاغذ سفید و یک مداد نوک تیز نسبتاً نرم در اختیار او قرار می‌دهند. دستورالعمل اینچنین است که "یک خانواده را نقاشی کن" یا اینکه "یک خانواده را در فکر خودت مجسم کن و آن را نقاشی کن" (کرمن، ۱۳۹۱). در

این پژوهش به هردانش‌آموز انتخاب شده حدود ۳۰ دقیقه برای ترسیم و بیش از بیست دقیقه جهت مصاحبه بعد از ترسیم اختصاص داده شد. در حین ترسیم توجه به حالات مختلف آزمودنی، وقفه یا بازداری، عوض شدن حالت چهره، جهت ترسیم، دقت و مدت زمانی که برای ترسیم هریک از اعضای خانواده صرف می‌کند و ترتیب ترسیم افراد در نقاشی بایستی به دقت ملاحظه شده و یادداشت می‌شود. پس از ترسیم، برای این که جنبه شخصی تفسیرها تقلیل یابد، بایستی از کودک پرسید چه چیزی را خواسته در نقاشی خود بیان کند و در مورد هریک از افراد رسم شده در نقاشی صحبت کند. بایستی از کودک پرسید که هریک چه کسی هستند، چه می‌کنند، کجا هستند و حتی نسبت به یکدیگر چه احساسی دارند. اما مهم‌ترین سؤالات ثابتی که اطلاعات جالبی را برای آزمونگر فراهم می‌کنند ۴ سؤال اصلی است بدین‌قرار که، کدام یک از همه مهربانتر، از همه خوشبخت‌تر و کدام یک کمتر از همه مهربان و کمتر از همه خوشبخت است. در تفسیر ترسیم خانواده، آنچه که بایستی آزمونگر، مشاور یا روانشناس بالینی به دنبال کشف آن باشد، تشخیص همسانسازی کودک با اجزاء نقاشی، تعیین واکنش‌های عاطفی کودک، مقایسه با خانواده حقیقی، و تفسیر نقاشی در سه سطح ترسیمی، صوری و محتوایی است. در سطح صوری شیوه کودک در ترسیم از جهت غنا و درجه تکامل نقاشی، پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص مد نظر است. تفسیر در سطح محتوایی نقاشی و یا تفسیر روان‌تحلیلی‌گری، مکانیزم‌های دفاعی من‌علیه اضطراب ناشی از تهدید بیرونی، چگونگی دفاع من‌علیه اضطراب ناشی از کشاننده‌های درونی و تعیین اضطراب در برابر من تعیین می‌گردد.

چگونگی بیان گرایش‌ها و دفاع‌های من در تست ترسیم خانواده از طریق تعیین ارزنده سازی شخص اصلی نقاشی، تشخیص نازنده سازی‌ها، اشخاص افزوده شده و یا حذف شده، فاصله‌ها و مقایسه همسان‌سازی‌های هشیار و ناهشیار صورت می‌گیرد (کرمن، ۱۳۸۶، نقل از پور حسین، ۱۳۹۰). در سطح صوری نحوه تعامل و پویایی میان اجزای نقاشی مد نظر است که بدین‌وسیله شاید بتوان تعاملات واقعی کودک را سنجید. در سطح ترسیمی، جهت، نیروی

مقایسه نازنده‌سازی در فرافکنی‌های کودکان با خانواده‌های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

خطوط و ناحیه ترسیم اهمیت دارد و هریک فرافکنی‌های کودک را از جهت پرخاشگری، کمرویی و وقفه کشاننده‌ها، به نمایش می‌گذارند (کرمن، ۱۳۹۱). درستی نتایج ترسیم خانواده تابع تجربه بالینی آزمونگر می‌باشد. به‌طور کلی گردآوری و ارزشیابی داده‌ها از طریق فنون فرافکنی، بیشتر جنبه کیفی دارد تا کمی و از این رو باید روش‌های منعطفی در تطابق با مفاهیم و زمینه‌های خاص که این فنون در آنها به کار بسته می‌شوند اتخاذ نمود (کرمن، ۱۳۹۱). قابلیت اعتماد آزمون ترسیم خانواده در پژوهشی که توسط پیاندا، لانگمیدو و فرگوسن (۱۹۹۹) بر اساس یک چهارچوب نظری مبتنی بر دلبستگی بر روی ۲۰۰ کودک پیش‌دبستانی صورت گرفت ۸۲/۵ درصد به‌دست آمد. در این تحقیق ضریب آلفای محاسبه شده برای آزمون ترسیم خانواده ۰/۸۴ بود (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

داده‌ها و یافته‌ها

برای پاسخ به سؤال این پژوهش دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفت که یافته‌های هریک از فرضیه‌ها در ادامه می‌آیند.

جدول ۱: مقایسه کودکان تنی و ناتنی از لحاظ حذف خود و اعضای خانواده (نازنده‌سازی)

گروه	گزینه‌ها	خود	پدر یا مادر	سایر	بدون حذف	مجذور کای	درجه آزادی	سطح معناداری
کودکان با خانواده ناتنی	فراوانی	۹	۱۲	۹	۱۰	۱۵/۶۲۴	۳	۰/۰۰۱
	درصد	۲۲/۵	۳۰	۲۲/۵	۲۵			
کودکان با خانواده تنی	فراوانی	۲	۴	۸	۲۶			
	درصد	۵	۱۰	۲۰	۶۵			

نتایج جدول شماره (۱) حاکی از آن است که بین دو گروه کودکان خانواده‌های تنی و کودکان واجد والد ناتنی با توجه به گزینه‌های مذکور ارتباط معناداری وجود دارد ($P < ۰/۰۵$)، به گونه‌ای که تفاوت این دو گروه براساس این شاخص محتوایی، معنادار بوده و کودکان واجد والد ناتنی به‌طور معناداری خود و اعضای خانواده را بیش از کودکان خانواده‌های تنی در نقاشی‌هایشان حذف می‌نمایند و فرضیه اول تأیید می‌گردد.

مقایسه نارزنده‌سازی در فرافکنی‌های کودکان با خانواده‌های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

جدول ۲: مقایسه کودکان تنی و ناتنی در کوچک‌نمایی والدین (نارزنده‌سازی)

سطح معناداری	درجه آزادی	مجدور کای	کوچکنمایی ندارد	کوچکنمایی دارد	گزینه‌ها ۱	گروه
۰/۰۰۲	۱	۱۰/۰۲۶	۱۶	۲۴	فراوانی	کودکان با خانواده ناتنی
			۴۰	۶۰	درصد	
			۳۰	۱۰	فراوانی	کودکان با خانواده تنی
			۷۵	۲۵	درصد	

جدول شماره ۲) بیانگر آن است که کودکان خانواده‌های ناتنی و کودکان خانواده‌های تنی از نظر گزینه‌های ذکر شده در جدول با یکدیگر ارتباطی معنادار دارند ($P < ۰/۰۵$) تفاوت این دو گروه از لحاظ این شاخص محتوایی معنادار بوده به طوری که کودکان خانواده‌های واجد والد ناتنی به‌طور معناداری بیشتر از گروه مقابل به کوچک‌نمایی والدین می‌پردازند و فرضیه دوم تأیید می‌شود.

جدول ۳: مقایسه کودکان تنی و ناتنی از نظر ترسیم ناقص خود و اعضای خانواده

سطح معناداری	درجه آزادی	مجدور کای	هیچکس	سایر	پدربا مادر	خود	گزینه‌ها	گروه
۰/۰۰۲	۳	۱۴/۶۴۹	۲۷	-	۱۰	۳	فراوانی	کودکان با خانواده ناتنی
			۶۷/۵	-	۲۵	۷/۵	درصد	
			۳۶	۳	۱	-	فراوانی	کودکان با خانواده تنی
			۹۰	۷/۵	۲/۵	-	درصد	

جدول شماره ۳) بیانگر آن است که کودکان خانواده‌های ناتنی و کودکان خانواده‌های تنی از لحاظ گزینه‌های ذکر شده در جدول با یکدیگر ارتباطی معنادار دارند ($P < ۰/۰۵$) تفاوت این دو گروه از لحاظ این شاخص محتوایی معنادار بوده به طوری که کودکان خانواده‌های

مقایسه نارزنده‌سازی در فرافکنی‌های کودکان با خانواده‌های ناتنی و تنی بر اساس آزمون ترسیم خانواده

واجد والد ناتنی به‌طور معناداری بیشتر از گروه مقابل به ترسیم ناقص خود و سایر اعضا به‌خصوص پدر یا مادر خانواده می‌پردازند و بدین ترتیب فرضیه سوم نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در سؤال پژوهشی مطرح شد که آیا فرزندان ناتنی و تنی در نارزنده‌سازی‌هایشان متفاوت عمل می‌کنند؟ شاخص‌های مورد بررسی فرضیه اول تا سوم، ضمن این که از نظر تفسیر در سطح محتوایی قرار می‌گیرند، چند شاخص نارزنده‌سازی محسوب می‌شوند.

فرضیه اول که حذف اعضا و خود را بررسی می‌کند، تأیید می‌شود و کودکان ناتنی در نقاشی‌های خود حذف بیشتری را نشان می‌دهند. شاید بتوان گفت، آنقدر میزان اضطراب زیاد است که به ناگاه کودک تصمیم می‌گیرد اعضای اصلی را حذف نماید. می‌توان درک کرد که میزان اضطراب در برابر تهدید بیرونی (سایر اعضا) و یا حتی تهدید درونی (خود) آنقدر بالا بوده که مکانیزم دفاعی کودک ناگزیر دست به نفی واقعیت و نارزنده‌سازی کامل زده است. حذف خود در نقاشی، معمولاً کمتر اتفاق می‌افتد اما در کودکانی که احساس بی‌کفایتی دارند و یا در ارتباطات خانوادگی‌شان دچار تعارضاتی هستند، بیشتر دیده می‌شود. طبق نظر دی‌لئو (۱۹۷۳)، حذف هریک از والدین در نقاشی می‌تواند نشانه‌ای بالینی باشد که مشکلات تعاملی کودک را نشان می‌دهد (ولتمن و براون، ۲۰۰۳).

فرضیه‌های دوم و سوم که نوعی نارزنده‌سازی از طریق کوچک‌نمایی و ترسیم ناقص هستند، تأیید می‌گردند. با این نوع فرافکنی کودک به‌طور ناهشیار سعی دارد میزان گرایش منفی یا پرخاشگری را نسبت به شخصی که او را کوچک‌نمایی کرده نشان دهد و می‌تواند نشانه مخالفتی باشد که در دنیای واقعی برای طفل امکان‌پذیر نیست. کوچک‌نمایی و نارزنده‌سازی والدین در نقاشی کودکانی که واجد والد ناتنی هستند، می‌تواند مبین این نکته باشد که این کودکان هنوز والد ناتنی را نپذیرفته‌اند یا والد تنی خود را به‌دلیل ازدواج مجدد سرزنش می‌کنند و بدین ترتیب به‌طور ناهشیار او را سرزنش می‌کنند.

گاهی آزمودنی فقط بخشی از یک شخص را حذف می‌کند. در واقع نارزنده‌سازی که ترسیم ناقص بخشی از آن محسوب می‌شود، تجلی احساسات تحقیرآمیز یا کینه‌توزانه‌ای هستند که فرد را بر آن می‌دارند تا از سرمایه‌گذاری احساسی در مورد شخص که در این جا خود شخص یا سایر اعضا می‌تواند باشد، اجتناب کرده و برعکس دست به بی‌ارزش‌سازی بزند. اگر کودک به ناقص‌سازی خود دست بزند در واقع نشان‌دهنده دفاع من او علیه اضطراب ناشی از کشاننده‌های درونی است. حال اگر فرد دست به ناقص‌سازی سایرین دست بزند تجلی دفاع من او در برابر اضطراب ناشی از تهدید بیرونی است. گاه کودک احساس می‌کند مورد بی‌توجهی قرار گرفته است و با سرسری کشیدن افراد این بی‌توجهی را تلافی می‌کند.

با توجه به سه فرضیه‌ای که همگی دال بر اعمال نارزنده‌سازی در نقاشی‌ها و مصاحبه کودکان ناتنی بود، پاسخ پرسش پژوهشی آن است که کودکان ناتنی بیشتر از کودکان تنی دست به نارزنده‌سازی خود و سایرین می‌زنند. این یافته در جهت تأیید یافته‌های ایروانی و همکاران (۱۳۸۵)، فایض (۱۳۸۶) و بریجز و همکاران (۲۰۰۶)، جن فن (۲۰۱۲)، استوارت (۲۰۰۲)، سندرز و لاتون (۱۹۹۴)، بوردرز و همکاران (۱۹۹۸)، گرفت و زاگرم (۱۹۹۸)، قرار دارد.

نتایج به‌دست آمده می‌تواند در تشخیص به‌موقع اضطراب، افسردگی، تعارضات کودکان خانواده‌های گسسته و درمان به‌موقع در صورت لزوم یاری رساند. نتایج این پژوهش نشان داد شناخت دنیای روانی کودک ناتنی و آن چه او قادر نیست به لفظ درآورد با تشویق وی به فرافکنی در قالب انجام کاری مانند نقاشی که برای وی جذاب و غیرتهدیدکننده است، میسر می‌باشد. از طرفی چنین شناختی، والدینی را که به هردلیل در مسیر زندگی زناشویی دچار بحران، شکست و یا فقدان می‌شوند، کمک می‌کند تا با رفتارهای حمایتگرانه صحیح، میزان آسیب‌های وارد آمده به کودک را در دوری از یک والد ویا گسستگی کانون خانوادگی، تقلیل دهد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Children from step families 2- Projection
3- Family drawing test 4- Devaluation

منابع و مآخذ فارسی

- منصور، م. (۱۳۸۷). روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: انتشارات سمت.
کورمن، ل. (۱۳۹۱). نقاشی کودکان: کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک. (ترجمه م. منصور و پ. دادستان) تهران: رشد.
منصور، م. (۱۳۹۲). احساس کهنتری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مای‌لی، ر. (۱۳۸۰). ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت. (ترجمه م. منصور). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
کرینگ، ا.؛ دیویسون، ج. س. نیل، ج. م. و جانسون، ش. ل. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی روانی. (ح. شمسی‌پور، مترجم) تهران: ارجمند.
پورحسین، ر. (۱۳۹۰). جزوه بالینی کودک. تهران: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
خدایاری فرد، ص؛ عابدین، ع؛ یکه یزداندوست، ر و پورشهریاری، م. س. (۱۳۸۶). مقایسه نتایج آزمون فرافکن ترسیمی در کودکانی مورد کودک آزاری جسمی قرار گرفته‌اند با کودکان عادی. فصلنامه خانواده و پژوهش، سال سوم (۹).
فایض، ز. (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه ویژگی‌های نقاشی خانواده در کودکان طلاق و غیر طلاق در دوره پیش‌دبستانی. پایان‌نامه برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- فراری، ا. (۱۳۸۷). نقاشی کودکان و مفاهیم آن. (ترجمه ع. صرافان). تهران: دستان. کورمن، ل. (۱۳۹۱). نقاشی کودکان: کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک. (ترجمه م. منصور و پ. دادستان). تهران: رشد.

منابع و مآخذ خارجی:

- Bridges, L., Dunn, J., & O`conor, T. (2006). Young children`s representation of their families : *International Journal of Behavior & Development* . 30 (6), 522 -536.
- Brown, N. M; Amatea, E.S(2000). *Love and Intimate Relationships*. London: Taylor and Franciss
- Burns, R. C., & Kaufman, S. H. (1972). *Action , Style and Symbols in KFDs*. New York: Routledge.
- Daly, M., & Wilson, M.(1982). Child abused and other risks of not living with both parents: *Journal of Ethology and Sociobiology*. 6, 197-210.
- Flinn, M., Leon, D. & Quinnlan, R. (1999). Growth and fluctuating Asymetry of Stepchildren: *Evolution and Human Behavior*. 20 (6), 465-479.
- Ganong, L., Coleman, M., & Jamison, T. (2011). Patterns of stepchild-stepparents relationship development: *Journal of Marriage and Family*. 73, (2). 396- 413.
- Jen Fan, R. (2012). A study on the KFD by children with different family Structures: *The international Journal of art education*. 173-204
- Kraft, M.R., Zuckerman, M. (1998). Parental behavior and attitudes of their parents reported by young adults from intact and stepparent families: *Journal of personality and individual differences* . 27(3),453-476.
- Laton, I.M., Sanders, M.R. (1994). Designing effective behavioral family intervention for stepfamilies: *Journal of clinical psychology*. 14 (5). 463-496.
- Oster, G., & Gould Crone, P. (1987). *Using drawing in assessment and therapy*. New York: Brunner & Mazel.
- Sadock, B. J; Sadock, V; Levis, Z. (2007). *Kaplan and Sadock's Guide and Self-examination Review in Psychiatry*. Philadelphia: Lippincott Williams and Wilkins.
- Stewart, S. D. (2002). The characteristics and well-being of adopted stepchildren.

Academic *Journal Article from Family Relations*. 59 (5).

Suzuki, L., Pontretto, J.(2008). *Handbook of Multicultural Assessment*. New York :John Wiley .

Tolisalo, H., & Aro, M. (2000). Parental remmariage as a modifier of proneness to depression in young adulthood: *Journal of Affective Disorders*. 57.

Umberson,D.(2003).*Death of a parent ;Transition to a new adult identity*. New York : Cambridge University Press.

Veltman, M., & Browne, K. D. (2000). Picture in classroom: *Child Abuse Review*. 9(5), 328-336.

Visher, E. B., & Visher, J. (1996). *Therapy with Stepfamilies*. New York: Brunner-Mazel INC.

Wallerstein, Judith S; Lewis, Jullian M; Blackeslee, Sandra (2000). *The Unexpected Legacy of Divorce*. New York : John Wiley.